

مزارات اصفهان

در تاریخ سلطانی

به یاد دانشمند و محقق فقیده علم حبیب آبادی

نگارنده « کشف الخبیه عن مقبرة الزینبیه »

« تاریخ سلطانی » نام کتابی است که سید حسن بن سید مرتضی حسینی استرآبادی در سال ۱۱۱۵ تألیف نموده و مشتمل بر یک دوره تاریخ مذهبی و نیز وقایع روزگار صفوی است از آغاز تا پایان پادشاهی شاه صفی .

نخستین آگاهی درباره این اثر در تعلیقات کتاب تذکرة القبور گزی، ذیل سخن از مزاهدون ولایت (ص ۱۹۲ چاپ دوم) ثبت گردیده و از نسخه آن که در اصفهان در کتابخانه آقا سید ابوالحسن فرزند حاج سید محمد کاظم واعظ کرونوی اصفهانی بوده یساده شده است. در همان جا به این نکته اشاره شده است که در مآخذ عمومی مانند ذریعه نامی از این اثر دیده نمی شود .

از این کتاب سه نسخه می شناسیم :

(۱) نسخه یاد شده در تعلیقات تذکرة القبور که اکنون در قم است . به نستعلیق محمد تقی - حاجی محمد ابراهیم کاتب اصفهانی مورخ پنج شنبه ۲۰ رجب ۱۲۲۲ در دار السلطنه اصفهان ، در ۵۵ صفحه به قطع رحلی ، تصحیح شده ، عنوان شنکرف ، باتملك ومهر محمد بن هادی حسینی ساکن قریه اسفید و اجان کرون و یادداشت امانت از مال آقا سید محمد کرونوی ولد مرحمت پناه حاجی سید هادی نزد اقل السادات و الطلبة محمد باقر الحسینی مورخ ۱۷ ج ۱-۱۳۲۲ روی برگ آغاز .

(۲) نسخه کمبریج ، جزو کتاب های بروان که انجام آن افتاده است (استوری ۱: ۱۳۴ منزوی ۶: ۴۱۰۶) .

(۳) نسخه کتابخانه عمومی آیت الهمرعی نجفی در قم که تنها بخش مربوط به سرگذشت چهارده معصوم است از باب اول تا پایان باب دوم. به نسخ مورخ پایان ذق - ۱۱۲۲، در ۴۹۴ صفحه به قطع وزیری .

چنین است دیباچه کتاب :

« بسم الله الرحمن الرحيم »

به ثنای ملك الملك خدای متعال

افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال

پادشاهی که به پیرامن جاهش نرسد
 بر دربار جلالش نبود جای نشست
 درحریم ملکوتش که ملک راه نیافت
 آهین پای چوپر گارشده و هم نرسید
 گر بخوانی به مثل آیه حمدش بر کوه
 ازال تا به ابد وصمت نقصان وزوال
 شهر یاران جهان را به جز از صف نعال
 عقل و حس امر محال است که یا بند مجال
 به یک اندیشه از این دایره الا به خیال
 با همه سنگدلی ناله بر آید ز جبال
 صحایف حمدی که مستوفیان خیال از استیفای آن عاجز آیند و مراسم شگری که محاسبان
 افکار و اوهام از تعداد افراد آن به تقصیر اعتراف نمایند ملک الملکی را سزاوارست که تحفو
 ایثار نثار بارگاه جلالش جان مامشاقان، و بر وحدانیت ذات و حقانیت صفاتش «انفسی خلق
 السموات والارض و اختلاف الليل والنهار» دلیلی است ظاهر و حجتی است باهرو نمایان .
 وصلوات طیبات و تسلیمات ز اکیات بر آن خلاصه و زبده رسل، نقاوه جزء و کل، مقصود
 آفرینش ارض و سما، سبب ایجاد بنی آدم و جمله اشیاء، مسافر سبحان الذی اسری، شهنشاہ قباب
 قوسین او ادنی، سلطان کونین یعنی رسول الثقلین .

سوار عرصه میدان تحقیق
 سر بر عرش را نعلین او تاج
 گل بستان سرای آفرینش
 که جمله سروران را سرور آمد
 که برد از هر دو عالم گوی توفیق
 امین وحی و صاحب سر معراج
 سواد نور چشم اهل بینش
 چو تاج از هر دو عالم بر سر آمد
 و بر آل اطهار و اولاد و احفاد او که صدر نشینان مسند اجتبا و بر گزیدگان عرصه «قل
 لا اسألکم علیه اجر الا المودة فی القربی» اندباد علی الخصوص بر امام باحشمت و وقار ابن عم
 احمد مختار صاحب دلدل و ذوالفقار، مخصوص به آیه انما منصوص به نصر هلاتی، محرم راز
 سبحان الذی اسری مخاطب به خطاب انت منی بمنزلة هارون من موسی، اعنی جناب بارفقت
 و مکرمت خلاصه موجودات و بر گزیده خالق ارضین و سماوات، امام المتقین و یعسوب الدین
 اسداله الغالب غالب کل غالب و مطلوب کل طالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاة
 والسلام .

و بعد - سبب تألیف این کتاب صریح شریف و خطاب فصیح منیف که در قوی ثیل سال
 ترکی مصادف هزار و یکصد و پانزده هجری، سال دهم جلوس میمنت ما نوس نواب کامیاب سپهر
 رکاب نقاوه دو دمان مصطفوی تازه نهال بوستان مرتضوی، خلاصه سلاطین صفوی، خورشید
 ایوان عز و جلال، کوکب آسمان دولت و اقبال، السلطان ظل اله المؤید من عند اله :

چرخ راعدلش از تعدی دست

شاه سلطان حسین آن که بیست

.....

.....

اتفاق او فتاده، این است که داعی کثیر التفسیر ابن سید مرتضی الحسینی سید حسن استر -

آبادی از روی کتب تواریخ احوال و انساب حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و ملوک و سلاطین نامدار کامکار و سادات رفیع الدرجات موافق قانون حساب و علم سیاق دفتری طرح نموده بود.

بعضی از دوستان تکلیف نمودند که به انضمام تشخیص احوال ملائکه و شیاطین و حکومت بنی الجان و کیفیت آفرینش عالم تا حضرت خاتم صلی اله علیه وآله و سایر قواید مرقومه به عنوان کتاب در تحت هر باب به بیاض برده شود. لهذا به قلم تحریر در آورده، منظور نظر دوستان گردید و به «تاریخ سلطانی» موسوم شده مشتمل بر سه باب که در صفحه روزگار به یادگار باقی ماند و متوقع است که اگر سهوی یا ترکی واقع شده باشد به قلم اصلاح در آورده و این کمینه را به دعا و فاتحه یاد نمایند.

باب اول - در بیان تشخیص احوال ملاحیه و شیاطین و جن و کیفیت آفرینش و مدت حکومت بنی الجان در بیست زمین، خلقت حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم النبیین صلی اله علیه وآله و باقی حضرات مطهرات سدره مرتبات عرش درجات چهارده معصوم صلوات اله علیهم اجمعین و اولاد گرامی ایشان و وقایعی که در این مدت روی داده و تحقیق احوال خلفای ثلاث.

باب دوم - در ذکر انساب سلسله ملوک و سلاطین کامکار و احوال ایشان و حکمای ما - تقدم و پادشاهان روم و هند و تواریخ سابقه پیش از زمان هجرت نبوی صلی اله علیه وآله و بروج سنین و شهور به زبان عربی و ترکی و فرس و هندی و فرنگی که در تحت هر فایده ذکر کرده می شود. ان شاهاله تعالی.

باب سیم - در بیان انساب سلاطین صغیه صفویه ادام اله اقبالهم الی یوم القیام تا زمان نواب خاقان رضوان مکان شاه صفی نوراله مرقد و مرقد آباءه العظام .
چنین است فهرست مطالب کتاب بر اساس شماره صفحات تنها نسخه کامل شناخته شده کتاب که در قم است :

مقدمه ۴-۲

باب اول ۵-۳۰۵ [تاریخ خلقت زمین - ۵ / اقالیم سیمه ۸-۹ / فایده در وجود ملائکه و حقیقت احوال ایشان - ۱۰ / خلقت حضرت آدم - ۱۴ / خلقت حوا - ۱۸ / فایده در ذکر انبیاء عظام ۲۱ / شهادت حضرت هابیل - ۲۲ / صفت و خصایص آدم - ۲۵ / حضرت شیث - ۲۷ / ادریس - ۳۰ / نوح - ۳۵ / فرزندان نوح - ۴۵ / صالح - ۴۶ / هود - ۴۷ / صفت شداد - ۴۸ / ابراهیم - ۵۱ / اسماعیل - ۶۹ / بنیان کعبه - ۷۷ / اولاد اسماعیل - ۸۳ / اجداد پیامبر اکرم - ۸۵ / عبدالمطلب - ۹۲ / ماجرای ابرهه - ۹۴

نسب واحوال پیغمبر - ۱۰۲ / فایده در ذکر احوال حضرات مطهرات سدره مرتبات عرش درجات ائمه اثنی عشر - ۲۲۱ / فایده در ذکر انساب وقبایل سادات عظام - ۲۹۶ / ذکر بعضی از قبایل که به نظر رسیده نقل می شود - ۲۹۹ / در بیان حسب و نسب حلفای ثلاث - ۲۹۹ .
باب دوم ۳۰۵ - ۳۴۷ [پیشدادیان - ۳۰۵ / کیانیان - ۳۱۳ / اشکانیان - ۳۲۱ / ساسانیان - ۳۲۳ / فایده در بیان احوال حکمای ماتقدم و سخنان نصیحت آیین ایشان - ۳۳۳ / فایده در بیان تواریخ پیش از زمان هجرت نبوی و بروج و سنه و شهور یزبان عربی و ترکی و فرس و غیره - ۳۴۰ / فایده در بیان نسب سلسله پادشاهان هند که در کتب تواریخ مذکور است - ۳۵۳]

باب سوم ۳۴۷ - ۵۱۵ [نیاکان شاه اسماعیل - ۳۴۷ / شاه اسماعیل - ۳۵۹ / شاه طهماسب - ۳۷۱ / اسماعیل دوم - ۳۹۷ / شاه خدابنده - ۴۰۲ / شاه عباس - ۴۲۳ / شاه صفی - ۴۹۶]

در تدوین و تنظیم این اثر از کتاب های مذهبی و تاریخی بسیاری استفاده شده که نام آنها در متن ذکر گردیده است. بخش مربوط به صفویان هر چند تمامی مطالب آن نیز از نسخ جهان آرای قاضی احمد غفاری و عالم آرای عباسی و ذیل آن گرفته شده فوایدی اضافی دارد که در لابلای مطالب آن درج شده است. از جمله در موضوع محل دفن شاه عباس اول - که در عالم آرای عباسی و ذیل آن بهامی در مورد آن هست و بعضی از فضلاء معاصر به استناد عباراتی مدفن آن پادشاه را در کاشان پنداشته اند پس از شرح ماجرای مرگ آن پادشاه به تصریح می نویسد: « در دارالمؤمنین کاشان در آستانه امامزاده حبیب موسی علیه التحیه و الثنا جنازه را گذاشتند و بعد از چند روزی به اماکن مشرفه نقل فرمودند » (ص ۴۹۶ نسخه مزبور).

از فواید اختصاصی کتاب مطالبی است که در او ادریخش نخست ذیل سرگذشت ائمه طاهرین (ع) در مورد امامزادگان اصفهان آمده است. این مطالب هر چند بیشتر مستند به تذکرها و نسب نامه های ساختگی دوره صفوی (۱) و از دید تحقیقی نادرست است به هر حال از جهات دیگر سودمند و ارزنده، در تحقیقات مربوط به اصفهان مفید و قابل استفاده است. چنین است برخی از آنها:

۱) در فرزندان امام حسن مجتبی (ع) پس از نقل ماجرای سلطنت حسن بن زید در طبرستان از شجره امیر هدایت اله بن امیر فتح اله و سید محمد بن سید حسین المرعشی نسابه:

۱- در تذکرها و امامزادگان و مشجرات و نسب نامه های دوره صفوی معمولاً از کتابهایی به عنوان مأخذ، و از افرادی به عنوان نسابه و نقیب یاد می شود که هیچ يك وجود خارجی ندارد. البته بران خلط مبحث نام چند کتاب شناخته شده نیز ضمیمه شده و اطلاعاتی کلی از آنها نقل می گردد.

«واسماعیل پسر اومعروف به جالب الحجاره به اصفهان آمده و مزار قایض الانوارش در آنجاست و در نسخه دیگر به قول امیر هداایت اله مذکور مدفون در محله خوشینان گران من محلات اصفهان است . و به قول صاحب الفوائد در شجره دیگر که ملاحظه نموده «امامزاده اسماعیل بن حسن بن زید بن حضرت امام به حق وهادی مطلق امام حسن (ع) مشهور به جالب الحجاره مدفون در محلات اصفهان» نوشته که در طبرستان بوده و والد ماجد او از قبیل منصور دوانقی حاکم مکه معظمه و مدینه مشرفه بوده و در حوالی مزار متبر که اش شعریای پیغمبر که از جمله پیغمبران بنی اسرائیل بوده مدفون است. و عمارت آن را بیکه خاتون بنت امیرزاده جهانگیر بنا نموده بعد از آن نواب خاقان جنت مکان و خاقان رضوان مکان تعمیر فرموده اند و در عهد نواب خاقان اشرف اقدس اعلی خلداله ملکه و سلطان به تاریخ شهر سنه هزارویکم و سیزده مدرسه عالی و چهار سوق احداث فرموده اند» (ص ۲۳۸ نسخه یاد شده) .

(۲) در نوادگان امام مجتبی از طریق همان حسن بن زید :

« و ابو محمد قاسم او را دو پسر بوده عبدالرحمن شجری و محمد بطحانی که قبایل بطحانیان از نسل اویند و در شجره مذکور نوشته شده که امام زاده زید مدفون در قریه پافان جی اصفهان که کنیه اش ابوالفضل است بن علی بن عبدالرحمن الشجری بن قاسم بن حسن بن زید بن الحسن (ع) و سید یحیی که در دارالامان ری مدفون است از فرزندان اوست و سادات سیفی قزوین از نسل اویند و . . ابوالحسن اطروش و ابوالفضل الملقب بالراضی که نسب سادات گلستانه به ایشان می رسد از نسل حسن بن قاسم بطحانی اند . . و ابراهیم بن محمد بطحانی بن قاسم بن حسن بن زید و پسرش حسن هر دو در ارض جنبه لان باب مسجد سعید بن حمید در من محلات اصفهان مدفونند و اله اعلم» (ص ۲۳۷-۲۳۹ همان نسخه) .

(۳) در فرزندان امام کاظم (ع)

« در تذکره نورالدین محمد بن حبیب اله نسابه اصفهانی و سید حسین بن سعید حیدر الحسینی الکرکی العاملی و سید رضی الدین نسابه مذکور است که امام زاده قاسم اصغر ملقب به عبدالعزیز مدفون در قریه طور اصفهان بی واسطه به حضرت امام الهمام موسی کاظم (ع) می رسد. و امام زاده اسحاق واقعه در قریه هر ند ناحیه قهاب اصفهان در زمان منصور بن معاویه ! که از جانب مقتدر بالله عباسی حاکم اصفهان بوده در سنه سیصد و پنجاه و چهار به درجه شهادت رسیده اند .

در کتاب شجره میر محمد مهدی رضوی و کتاب تعلیقات میر محمد قاسم بنی مختار سیزواری و تذکره به مهر شیخ نورالدین محمد بن حبیب الله واعظ مدرس اصفهانی که به خط و مهر رسید

حسین بن سیدحیدرالحسینی الکرکی العاملی رسیده [مذکوراست] که امامزاده واجب التعظیم والتکریم صاحب الکرامات شاهزاده سلطان احمد بن حضرت امام الهمام موسی الکاظم (ع) . . (دراسفرا این) مدفون است و مزار کثیر الانوارش در میان باغی است و محل استجابت دعاست . و بعضی از نسابون راعقیده آن است که مدفن شریفش در بلده شیراز است بنا بر قول مشهور بین العوام . و آنچه ظاهر می شود این است که امامزاده احمد واقعه در شیراز فرزند موسی مبرق بن حضرت امام الهمام امام بحق امام محمد تقی جواد (ع) بوده باشد . (ص ۲۷۳)

۴) « در تذکره نوالدین محمد نسابه اصفهانی نوشته شده که ابراهیم مرتضی مشهور به ابراهیم اصغر در قریه کاج بر آن اصفهان مدفون است و بعضی از مورخین در بغداد قریب مرقد مطهر والد بزرگوارش گفته اند، (ص ۲۷۴) .

۵) « در بحر الانساب دینوری نوشته شده که امامزاده قاسم بن حمزه مدفون در قریه اشترجان اصفهان به تاریخ سنه ۲۵۵ به دار بقا شتافته . . و در تذکره به خط و مهر نوالدین محمد بن حبیب الله نسابه اصفهانی که به خط و مهر سید حسین بن سید حیدر الکرکی العاملی رسیده نوشته شده که امامزاده واجب التعظیم والتکریم سلطان قاسم اعرابی صاحب کشف و کرامات واحادیث بسیار از جد بزرگوار خود ابی ابراهیم موسی الکاظم (ع) نقل می فرمود با برادر زاده خود شاه همزه در یک موضع مدفونند در قریه اشترجان ، و به یک واسطه به حضرت امام الهمام امام موسی کاظم (ع) می رسد .

و هم در بحر الانساب نوشته شده که زید بن احمد بن حسین بن احمد المجدور بن ابوجعفر بن احمد الاسود بن محمد الاعرابی بن سلطان قاسم بن حمزه بن امام موسی الکاظم (ع) که در سنه ۲۶۰ زمان المهتدی بالله به درجه شهادت رسیده در قریه هفت شوبلوک قهاب اصفهان مدفون است . و سید قاسم نسابه نوشته که حسین بن زید بن احمد بن حسین بن احمد بن ابوجعفر بن احمد الاسود بن محمد الاعرابی بن سلطان قاسم بن حمزه بن امام موسی الکاظم (ع) در سنه ۲۹۰ هجری به دار بقا شتافته و در قریه موران قهاب اصفهان مدفون است ، (ص ۲۷۴-۲۷۵) .

۶) در فرزندان هارون بن موسی بن جعفر (ع)

« در تذکره نوالدین محمد بن حبیب الله [نسابه اصفهانی به خط و مهر سید حسین بن سید حیدر] الکرکی العاملی و سید قاسم نسابه برادر میر عبدالقادر نسابه نوشته شده که هارون مدفون در ارض اصفهان و شاه قاسم انوار از احفاد اوست . . هارون بن محمد بن احمد بن جعفر بن هارون بن امام موسی الکاظم (ع) ، (ص ۲۷۵) .